

انگلیسی  
اسلامی  
ایرانی

پیشگام علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
انار جامع علوم انسانی

# ارزیابی مسأله خانواده با محوریت نقش زن در سند ملی آموزشی

۲۰۳۰ یونسکو

مریم سلگی<sup>۱</sup>، سوده کریمی<sup>۲</sup>

## چکیده

رهبان کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۱۵ متعهد شدند تا اهداف دستور کار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ را در سیاستگذاری کلان ملی خود مد نظر داشته باشند. آموزش هدف چهارم این دستور کار می‌باشد. از جمله اهداف آموزشی در برنامه‌ی ملی آموزشی ۲۰۳۰ عبارت است از: توسعه پایدار، تساوی جنسیتی، یکسان سازی افراد، خشونت زدایی و ارزش گذاری به هر نوع خانواده. در این مقاله پژوهشگر در دو بخش به بررسی مفهوم خاص خانواده و جایگاه آن در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و سپس با روش تحقیق توصیفی، انتقادی، تحلیل محتوا با استفاده از تحلیل متن سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو، تمایزات مفاهیم مد نظر در این سند و خانواده به مفهوم ایرانی اسلامی را بررسی می‌نماید. نتایج حاصله از این پژوهش حاکی از آن است که آنچه که مورد پذیرش مولفان سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ است؛ اعتقاد به سکولاریسم می‌باشد، در حالی که الگوی اهداف نظام تربیتی- آموزشی ایران شامل: خدا محوری در نظام آموزش، عدالت تربیتی، مبانی ایرانی به عنوان معیار ارزش گذاری، تعلیم و تربیت پژوهش محور، ارزش گذاری به خانواده (زن و مردی که با عقد ازدواج صاحب فرزند شده‌اند) می‌باشد؛ در این الگو مفهوم بنیادین خدامحوری در نظام تربیتی و آموزشی است که با استمداد به مبانی اعتقادی عدالت تربیتی را در سیستم تربیتی و آموزشی به همراه دارد. معیار ارزش گذاری در این الگو بر مبنای مبانی ایرانی اسلامی است و خانواده‌های محترم شمرده می‌شود که با عقد رسمی زن و مرد صاحب فرزند گردند. به همین سبب به نظر می‌رسد تفاوت در ایدئولوژی کلی حاکم بر این سند و اسناد داخلی عدم امکان پیروی از سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ را فراهم می‌آورد.

**کلید واژه‌ها:** خانواده، ازدواج، اشکال نوپدید خانواده، زن، سند ملی آموزشی ۲۰۳۰، جمهوری اسلامی ایران

۱. مریم سلگی، استادیار رشته فلسفه دانشگاه الزهرا س، [solgi.atu@gmail.com](mailto:solgi.atu@gmail.com)

۲. سوده کریمی، دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، تهران (نویسنده مسئول) [Soode.karimi@gmail.com](mailto:Soode.karimi@gmail.com)

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۱۵ در اجلاس سران این سازمان متعهد شدند تا اهداف دستور کار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ را که نتیجه‌ی یک فرآیند گسترده مشورتی در سطح جهانی بود، در سیاستگذاری کلان ملی خود از اول ژانویه ۲۰۱۶ مد نظر داشته باشند. این دستور کار، دارای ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است. آموزش که هدف چهارم این دستور کار است، در تحقق کلیه‌ی اهداف این دستور کار، به طور مستقیم (اهداف ۱۲، ۸، ۵، ۳، ۱ و ۱۳) و غیرمستقیم (بقیه‌ی اهداف) نقش اصلی و محوری را برعهده دارد. اینک سازمان یونسکو و کلیه‌ی عاملان جامعه‌ی بین‌المللی، کارشناسان و ذینفعان جهان، تجربه‌ی اجرای اهداف ششگانه برنامه آموزش برای همه (۲۰۱۵-۲۰۰۰) را دارند و به همین دلیل توصیه‌های مکرر این سازمان بر جلب مشارکت کلیه شرکا در یک رویکرد فرابخشی، اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی، دولتی و خصوصی است. نکته قابل توجه دیگر این است که آموزش فراگیر در چارچوب عمل جهانی آموزش، ۲۰۳۰ به مراتب دامنه‌ای گسترده تر و تکالیفی وسیعتر از برنامه آموزش برای همه دارد و علاوه بر حوزه‌های ناتمام آموزش برای همه، حوزه‌های دیگر آموزش از جمله: اشتغال و توسعه مهارت‌ها، آموزش فنی - حرفه‌ای، آموزش عالی، آموزش سلامت و بهداشت، آموزش‌های اجتماعی و شهروندی را نیز در برمی‌گیرد، تا فرایند گذار به سوی جوامع یادگیرنده و دانش بنیان با کمترین مشکل صورت پذیرد. با وجود این شرایط، روشن است که وزارت آموزش و پرورش به تنهایی نمی‌تواند از عهده‌ی انجام این تکالیف برآید. به همین دلیل، از نهادهای ذی‌ربط جهانی مثل: یونسکو، یونیسف، برنامه توسعه ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد و بانک جهانی و نهادهای ملی ذیربط در سطح هر کشور انتظار می‌رود که در تحقق هدف چهارم و اهداف ویژه‌ی دستور کار توسعه‌ی پایدار ۲۰۳۰ پایداری و اهمیت و ارزشمند.

کمیسیون ملی یونسکو ایران که مطابق با بند ۷ اساسنامه‌ی سازمان یونسکو، نهاد متولی اجرای چارچوب عمل‌های جهانی در ایران است، از بدو فرایند تهیه و نهائی سازی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در یونسکو، در خصوص محتوای این سند مشورت‌های گسترده‌ی ملی را با نهادهای

ذی‌ربط، متخصصان و صاحب‌نظران ارشد و نیز کمیته‌های ملی تخصصی به منظور جمع‌بندی نقطه نظرات جمهوری اسلامی ایران به عمل آورد و بدین ترتیب دیدگاه‌های کشورمان را در زمینه‌ی چارچوب عمل - جهانی آموزش، ۲۰۳۰ از طریق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در یونسکو به دبیرخانه‌ی اسپک ارائه کرد. (<http://bonyadtaban.com/title>)

اگرچه جمهوری اسلامی ایران بر سند آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو اعلام حق شرط کرده است؛ اما شرط بیان شده، شرط منجز بودن را دارا نیست. حق شرط ایران بر سند ۲۰۳۰ دقیقاً همانند حق شرط کشور بر کنوانسیون حقوق کودک اعمال شده است که مقرر می‌دارد: « دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد مقررات و موادی از کنوانسیون که ممکن است مغایر با شریعت اسلام باشد، اعمال شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب نیز چنین حق شرطی را اعمال نماید. این شرط کلی و مبهم است یعنی به مفاد یا مواردی خاص اشاره نکرده بلکه کلیت کنوانسیون و سند را در حوزه‌هایی که مخالف شرع یا قانون بوده یا در آینده مخالف باشد را به کلی زیر سؤال برده است. کنوانسیون حقوق کودک از جمله معاهدات حقوق بشری است که نه تعهدات متقابل دولت‌ها بلکه تعهدات دولت نسبت به ملت و افراد را به نمایش می‌گذارد و هدف از این معاهدات حمایت از حقوق افراد است. نظام حق شرط حاکم بر معاهدات حقوق بشری با سایر معاهدات متفاوت است. در قبال حق شرط کلی و مبهم ایران بر کنوانسیون حقوق کودک باید بیان کرد که این اعلام حق شرط از سوی بسیاری از کشورهای طرف معاهده از جمله آلمان و حتی کمیته حقوق کودک مورد اعتراض قرار گرفته و فشار بین المللی بر برداشتن این حق شرط از سال ۲۰۰۵ میلادی هم مساله وضعیت حقوقی کشور را تضعیف می‌کند (مقدمی خمامی، ۱۳۹۶، ۱۱). علاوه بر حق شرط<sup>۱</sup> نیاز به اعلامیه تفسیری جهت اعلام درک حقوقی جمهوری اسلامی ایران از مفهوم سند، ضروری به نظر می‌رسد.

۱. عهدنامه وین سال ۱۹۶۹، ماده ۲۳، بند ج عهدنامه وین، «حق شرط» را این گونه تعریف کرده است: «حق شرط عبارت است از: بیانیه ای یک جانبه که یک کشور تحت هر نام یا هر عبارت در موقع امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به یک معاهده صادر می کند و یا به وسیله آن، قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهده نسبت به خود بیان می دارد».

۲. در زبان فارسی اصطلاح «Reserve» را به گونه های متفاوتی ترجمه کرده اند، از قبیل: حق امتناع، حق تحفظ، حق شرط، قید شرط، پذیرش مشروط و مقید، شرط یک جانبه یا حقوق محفوظ، و قید ناقض مقررات (الیاسی، ۱۳۸۳، ۶۲).

اهداف آموزشی در برنامه‌ی ملی ۲۰۳۰ عبارت است از: توسعه پایدار، تساوی جنسیتی، یکسان‌سازی افراد، خشونت زدایی، ارزش‌گذاری به نهاد خانواده (هر نوع خانواده‌ای) در این الگو مفهوم بنیادین توسعه پایدار است و در پرتو تلاش در جهت ایجاد شهروند جهانی و شهروند جهان وطن، یکسان‌سازی افراد صورت می‌گیرد، در این الگو هر نوع خانواده‌ای اعم از دو زن، دو مرد و... که خانواده‌ای را تشکیل داده باشند محترم هستند به طور خلاصه در تدقیق این سند آنچه که مورد پذیرش مولفان این سند است اعتقاد به سکولاریسم می‌باشد در حالی که در الگوی اهداف نظام تربیتی - آموزشی ایران مفاهیم شامل: خدا محوری در نظام آموزش، عدالت تربیتی، مبانی ایرانی به عنوان معیار ارزش‌گذاری، تعلیم و تربیت پژوهش محور، ارزش‌گذاری به خانواده (زن و مردی که با عقد ازدواج صاحب فرزند شده‌اند) می‌باشد؛ در این الگو مفهوم بنیادین خدامحوری در نظام تربیتی و آموزشی است که با استمداد به مبانی اعتقادی عدالت تربیتی را در سیستم تربیتی و آموزشی به همراه دارد. معیار ارزش‌گذاری در این الگو بر مبنای مبانی ایرانی اسلامی است و خانواده‌ای محترم شمرده می‌شود که با عقد رسمی زن و مرد صاحب فرزند گردند (سلگی، کریمی، ۱۳۹۸، ۶). باتوجه به آرمان سند ملی ۲۰۳۰ یونسکو در راستای ایجاد تغییرات گسترده در حوزه‌های مختلف برای کشورهای متعدد، باید اظهار کرد که این تفاوت‌های ماهوی بیانگر ضرورت نگارش این پژوهش در راستای بیان ناسازگاری محتوای سند ملی آموزش ۲۰۳۰ یونسکو با محتوای اسناد داخلی می‌باشد. اجرایی‌سازی آرمان‌های سند ملی آموزش ۲۰۳۰ یونسکو موجب ایراد آسیب‌های جبران‌ناپذیر به بنیان‌های آموزش بومی و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی ما خواهد شد. بدین جهت ضرورت تحقیق و پژوهش‌های گسترده جهت آگاه‌سازی نخبگان جامعه باید صورت گیرد تا با برجسته‌سازی تغایرات موجود در این سند خارجی و محتویات انگاره‌های فرهنگی آموزشی داخلی، امکان اجرایی‌سازی سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ را با مطالبه مردمی، به حداقل رسانند.

## ۲. اهداف و پرسش‌های تحقیق

با توجه به اینکه امضا و پیوستن به هر سند بین‌المللی مستلزم اجرایی‌سازی محتویات آن سند است و با لحاظ این مورد که سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو به عنوان یکی از اسناد مورد امضا جمهوری

اسلامی ایران در بخش‌های مختلف برای خانواده و زنان؛ اهداف متعددی را در نظر می‌گیرد که در مدت زمان مشخصی باید اعمال گردند، هدف از نگارش این پژوهش بیان ناسازگاری محتویات سند ملی آموزشی یونسکو با آموزه‌های جمهوری اسلامی ایران میباشد حال سوالات اساسی این پژوهش این است که ۱- کدام یک از اهداف و عبارات سند ملی آموزش ۲۰۳۰ و یا اهداف توسعه پایدار در حوزه خانواده و زنان؛ مغایر با مفاهیم و موازین داخلی می‌باشد؟ ۲- با توجه به بنیادهای فرهنگی و ایدئولوژیک تدوین کنندگان این سند میزان همگرایی این سند بر آموزه‌ها و اسناد داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران چقدر خواهد بود؟

### ۳. پیشینه تحقیق

تاکنون اثری با عنوان جایگاه زن و خانواده در سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو به ثبت نرسیده است، هرچند در آثار متعددی اعم از کتب و مقالات موضوع سند ملی ۲۰۳۰ یونسکو و سند توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته شده است. اما بررسی‌های صورت گرفته ناظر بر مفاهیمی به جز زن و خانواده در بستر نظام حقوق موضوعی ایران می‌باشند که در ذیل به بررسی مختصر برخی از این آثار پرداخته می‌شود.

در مقاله چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰) در سال ۱۳۹۸ سید محمد مهدی غمامی و نیلوفر مقدمی خمایی به بررسی سند توسعه پایدار پرداخته‌اند. کتاب نقد علمی بر سند ۲۰۳۰ که توسط حجت‌الاسلام سید محمدحسین راجی و همکاری بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد گردآوری و در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است. در این کتاب مساله تغییرات ساختاری در نهاد خانواده در سند ۲۰۳۰ و مفاهیم دیگر مورد بررسی قرار گرفته شده است. کتاب واکاوی بنیان‌های ایدئولوژیک سند ۲۰۳۰ نوشته رضا حبیبی در سال ۱۳۹۶ می‌باشد در این کتاب با پرهیز از مواجهه هیجانی و مقطعی با سند ۲۰۳۰، و تفکیک متن سند از حواشی آن، و با نگاهی کل گرایانه، به مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی این سند پرداخته می‌شود و بنیان‌های ایدئولوژیک این سند مهم بین‌المللی بررسی و ارزیابی می‌گردد.

مقاله بررسی انتقادی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو؛ آثار و پیامدهای آن را محمد فولادی در سال ۱۳۹۶ با رویکرد تحلیلی، توصیفی، انتقادی، و با هدف بررسی سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو، به‌عنوان

پروژه جهانی یکسان‌سازی نظام‌های آموزشی تدوین نموده است.

با توجه به پیشینه فوق‌الذکر اگرچه سند توسعه پایدار، تغییرات ساختاری نهاد، در مباحث بنیان‌های ایدئولوژیک و بررسی انتقادی یونسکو مورد بررسی قرار گرفته اند اما بررسی اختصاصی سند ملی ۲۰۳۰ یونسکو در حوزه زن و خانواده در گستره نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ضروری و لازم به نظر می‌رسید.

### ۳. چارچوب مفهومی

در ابتدا لازم است اهم مفاهیم مدنظر در این پژوهش را مورد بررسی قرار دهیم و دیدگاه قرآن و مواضع تشریحی را در ارتباط با آنها بیان داریم،

**نهاد خانواده:** نهاد خانواده که از آن به عنوان کوچکترین، بنیادیتین و اساسیتین نهاد اجتماعی یاد می‌شود، گروهی متشکل از افراد است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش بایکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند ارتباط متقابل دارند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند گفته می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۱).

**ازدواج یا نکاح:** نکاح قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده و خانواده‌ای تشکیل می‌دهند و ازدواج عقدی است که به موجب آن مرد و زن لاقبل بر نفی محرومیت جنسی (مانند نکاح منقطع احیاناً) یا علاوه بر نفی آن محرومیت به منظور تشکیل خانواده و زندگی مشترک خانوادگی قانوناً با هم متحد می‌شوند. نکاح قراردادی است که برای تشکیل خانواده و ادامه زندگی مشترک بین زن و مردی برابر موازین قانونی و شرعی بسته می‌شود و پس از آن حقوق و تکالیفی ایجاد می‌کند

**اشکال نوپدید خانواده:** انواع مختلفی از ساختارها تحت عنوان خانواده در جهان وجود دارد که برخی در قالب حقوق ملی و بین‌المللی شناسایی شده و برخی نیز فاقد اعتبار حقوقی اند. در میان خانواده‌های به رسمیت شناخته شده؛ خانواده دگر جنس گرا، خانواده همجنس گرا و خانواده‌های تک‌والد وجود دارند. دو ساختار اول و دوم می‌تواند مشتمل بر فرزند باشد یا نباشد. اما خانواده تک‌والد ضرورتاً نیازمند فرزند برای بقاء خواهد بود؛ چراکه هویت آن در والدگری منعکس شده است. سایر اشکال

زناشویی و ازدواج از جمله چندهمسری<sup>۱</sup>، ازدواج با کودک<sup>۲</sup>، ازدواج با حیوان<sup>۳</sup>، ازدواج با اشیاء<sup>۴</sup> و حتی ازدواج با خود<sup>۵</sup>، اگرچه در برخی جوامع متداولند و بعضاً نظام‌های حقوق ملی تحقق آن را پذیرفته‌اند، اما در نظام بین‌المللی حقوق بشر شناسایی نشده‌اند و حتی گاه ضد حقوق بشر انگاشته می‌شوند (مقدمی خمایی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

دیدگاه قرآن: خداوند در قرآن در رابطه با خانواده می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا...» (حجرات ۱۳) ازدواج به معنای جمع شدن نر و ماده اختصاص به افراد بشر ندارد؛ بلکه در مجموعه هستی این قانون حاکم است و انسان‌ها و افراد بشر جزئی از این مجموعه هستند.

- «و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذكرون» (ذاریات ۴۹)

- «والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفده» (نحل ۷۲)

در قرآن آینده‌اندیشی‌ای در ارتباط با خروج از حالت طبیعی و فطری در امر همزیستی شده است؛ قوم لوط با ترویج هم‌جنسگرایی زمینه نابودی خود را فراهم کرد چرا که در قرآن کریم آنچه به عنوان خانواده و از نشانه‌های خدا بیان شده است، آفرینش همسرانی از جنس خود است.<sup>۶</sup> در تفسیر المیزان در ارتباط با ازدواج بیان شده است که ازدواج از سنت‌های اجتماعی است یعنی روشی که جامعه براساس آن نظاممند می‌شود (طباطبایی، مباحث علمی در تفسیر المیزان، ۱۳۹۶: ۶۹۲) و در منع روابط بی‌حد و حصر و خارج از چارچوب خانواده بیان داشته است «به مردان با ایمان بگو دیده فرونهند و پاک‌دامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است، به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فروبندند و پاک‌دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه طبعاً از آن پیداست...»<sup>۷</sup>

کارکردهای خانواده در قرآن کریم به عنوان سنت الهی بیان شده است. از نگاه قرآن، تحکیم جامعه به

1. Polygamy and Polyandry
2. Child Marriage
3. Human-Animal Marriage
4. Human\_Inanimate Object Marriage
5. Sologamy

۶. روم ۲۱

۷. نور ۳۰-۳۱



میزان استحکام خانواده ها و هر گونه تزلزل یا ضعف و سستی در جامعه به ناپایداری کانون خانواده وابسته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۰ و ۷۵) به تعبیر شهید صدر ازدواج گرایش در حد خود از سنت‌های اصیل است نه قانون اعتباری، زیرا مبارزه با آن فقط برای یک مدت کوتاه ممکن است. به قوم لوط این امکان را می‌دهد برای مدت کوتاه این قانون طبیعت را پشت پا بزنند، برای دراز مدت قابل تخلف نیست، زیرا تخلف از این قانون باعث می‌شود انسان‌ها سر به نیست شوند (صدر، ۱۳۸۱: ۱۲۱) خداوند شرط رستگاری را در سوره مومنون پایبندی مومنان به قانونمندی رفتار جنسی شان در قالب ازدواج بیان کرده است (جزایری، بصیرت، ۱۳۹۷: ۳۰).

دیدگاه قانون اساسی: باتوجه به لزوم اجرایی سازی قانون اساسی در هر جامعه و اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی که در حمایت از کانون خانواده اعلام می‌دارد: «از آنجا که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد؛ با این تفاسیر باید پرسید که خانواده و زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟

سایر قوانین تشریعی: قوانین داخلی تدوین شده در ارتباط با موضوع خانواده و به طور خاص زن در خانواده تا سال ۱۳۹۰ به تفکیک قوانین حمایتی در ارتباط با خانواده و زوجیت، اشتغال، مورد بررسی قرار گرفته شده است که در چهار عنوان کلی ذیلا بیان می‌گردند:

۱. قوانین موضوعه با تحکیم خانواده و حمایت از نقش زنان: که در قالب قوانینی پیرامون موضوعاتی مانند ممنوعیت نکاح نابالغ، نکاح دختر با اذن ولی، جزئیات عسر و حرج زوجه، شرایط قیمومیت و... اجبار نفقه در صورت وجوب آن، شرط بکارت برای اذن ولی، اعطای وام ازدواج حین تحصیل به دانشجویان، پوشش‌های حمایتی مالی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهت تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، احیای مستمری زنان بیوه، در صورت فوت همسر دوم، به هنگام‌سازی ارزش مهریه، اجبار زوجه به تمکین، حتی در صورت عدم دریافت مهریه (تفکیک انفاق از مهریه) امکان سلب صلاحیت ولی قهری طفل، در صورت درخواست سایر اقارب و یا رئیس حوزه قضایی تدوین شده است (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۲).

۲. قوانین مرتبط با حمایت از اشتغال زنان: تحت موضوعاتی مانند: مساعدت در جهت برقراری

تناسب میان اشتغال و خانواده، برقراری توازن کار- خانه برای زنان کارگر، بازنشستگی مستخدمین زن، با ۲۰ سال سابقه خدمت، امکان استفاده از مرخصی شش ماهه بدون حقوق، در هماهنگی با شغل حساس همسر، ارتقای سطح اشتغال زنان، با تأکید بر بایسته‌های خانواده اسلامی، تسهیل اشتغال و ازدواج، و مبارزه با آسیب‌های مبتلابه جوانان، تخصیص حدود ۵ هزار میلیارد ریال برای تسهیل اشتغال و ازدواج جوانان

۳. قوانین حمایت از سلامت خانواده و زنان: در غالب عناوینی همچون: اعمال محدودیت قانونی و منطقی بر زادآوری خانوار، ضرورت بیمه افراد تابع و نیازمند، حمایت بیمه‌ای از افراد و خانواده‌های آسیب‌پذیر، پوشش بیمه‌ای و حمایت اقتصادی از خانواده‌های کم‌درآمد، بهبود شرایط حیات سالمندان در ایران، از جهات رفاهی، بهداشتی، درمانی و توانبخشی، اعطای مجوز به مراکز مشاوره روانی و اجتماعی ازدواج

۴. قوانین حمایتی مادران و کودکان: در چارچوب مفاهیمی مانند: تحکیم حق حضانت مادر در موارد غیبت یا عدم صلاحیت ولی شرعی، تحکیم و تضمین حق حضانت تعلق گرفته به پدر یا مادر، پذیرش اصول عام حقوق کودکان در خانواده، با تأکید بر حق شرط جمهوری اسلامی، حمایت قانونی از الگوی تغذیه‌ای شیرمادر، مجازات و تعزیر برای تعرض به زنان و کودکان، سلب حضانت از والد دچار انحطاط اخلاقی، نفی قانونی آزار، بهره‌کشی، شکنجه و سایر تهدیدها علیه کودکان و نوجوانان، هفت سال برای سن حضانت توسط مادر، تعیین شرایط و وجوب سقط؛ خاصه درباره سلامت مادر یا فرزند، تهیه و تدوین سند ملی امنیت اجتماعی بانوان و کودکان

اسناد حقوق بین‌الملل: بر اساس اسناد بین‌المللی خانواده به عنوان یک نهاد بنیادی در جامعه و یک نهاد بین‌المللی شناخته می‌شود. به همین منظور اسناد حقوق بشر؛ تعهداتی را برای دولت‌ها ایجاد می‌کنند تا از آن حمایت کرده و به آن کمک کنند. اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup>، ماده ۱۶ (۳)؛ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۲</sup>، در ماده (۱۰)؛

1. Adopted by UN General Assembly Resolution 217A (III) of 10December 1948.

2. ICESCR

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup>، در ماده ۲۳(۱)؛ کنوانسیون حقوق کودک<sup>۲</sup>، در مقدمه؛ کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آن‌ها<sup>۳</sup>، در ماده ۴۴(۱)؛ و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD)، در مقدمه از جمله این اسناد می‌باشند. به رسمیت شناختن خانواده به عنوان پایه و اساس جامعه نیازمند حمایت و مساعدت نیز در اسناد حقوق بشر منطقه‌ای از جمله پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکا در زمینه حقوق بشر، اجتماعی و فرهنگی پروتکل سان سالوادور ماده ۱۵ در نظر گرفته شده است و در منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ماده ۱۸ و کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان به آن اشاره شده است.

discussion-paper-a-contemporary-view-of-family-in-international- UNWOMEN)

(human-rights-law-en

اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر که در اجلاس وزاری خارجه‌ی کشورهای اسلامی در مرداد ماه (۱۳۶۹) اوت (۱۹۹۰) طی قطعنامه‌ی شماره‌ی P-۱۹/۴۹ در قاهره پایتخت مصر به تصویب رسید، در تعریف خانواده در ماده ۵ می‌گوید: «خانواده پایه‌ی ساختار جامعه است. جامعه و دولت موظف اند موانع را از فرا راه ازدواج (جهت تشکیل خانواده) بردارند و راه‌های آن را آسان سازند و از خانواده حمایت به عمل آورند.» (مقدمی خمایی، ۱۳۹۸، ۱۹۴).

با لحاظ اصول و مبانی فوق‌الذکر در ادامه به خوانش سند ۲۰۳۰ یونسکو می‌پردازیم.

## روش

خواننده محترم این پژوهش با روش توصیفی تحلیل محتوا به منظور توصیف عینی و کیفی و انتقادی محتوا و مفهوم خانواده انجام گرفته است. گستره فعالیت این مقاله سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ و مفهوم فقهی خانواده ایرانی اسلامی است و با استفاده از تحلیل داده‌های اسناد داخلی که مبتنی بر عقاید اسلامی ایرانی می‌باشند و سند ملی آموزشی ۲۰۳۰، نهاد خانواده را در ایران اسلامی و سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ برخی باهم زیستی‌ها

1. ICCPR
2. CRC
3. CMW

(هم باشی) تحت عنوان خانواده ذکر شده اند؛ اما در جمهوری اسلامی ایران «عنوان خانواده» به اجتماعی خاص با قواعد مشخص تعبیر می‌شود.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

در این بخش از مقاله در تلاش جهت پاسخ‌گویی به اولین سوال مطرح شده در اهداف مقاله می‌باشیم که کدام یک از اهداف یا عبارات سند ملی آموزش ۲۰۳۰ و یا اهداف توسعه پایدار در حوزه خانواده و زنان؛ مغایر با مفاهیم و موازین داخلی می‌باشد؟

اگر چه در فرایند تصویب سند نهایی ۲۰۳۰ یونسکو اشارات صریح به واژه‌گان بحث برانگیزی چون «سقط جنین»، «تمایلات جنسی»، «هویت جنسیتی»، «حقوق جنسی»، حقوق مربوط به «بهداشت جنسی و باروری» و «آموزش جامع جنسی» خارج شد. اما اشارات مخفی برای پیشبرد این مفاهیم در سرتاسر برنامه ۲۰۳۰ به طور فراوان وجود دارند. لازم به ذکر است تبصره‌هایی که خواستار محافظت از خانواده و به رسمیت شناخته شدن نقش خانواده در توسعه بودند و تبصره‌های مربوط به استحکام حقوق و نقش والدین در رابطه با فرزندان، همچنین تبصره‌هایی که مشوق احترام به ارزش‌های مذهبی و فرهنگ بودند، تماما در طول مذاکرات سازمان ملل متحد رد شده و در برنامه گنجانده نشدند و بعضی از شاخص‌های مطرح شده، که برای کمک به دفاتر سازمان ملل متحد و دولت‌ها جهت سنجش میزان دستیابی به اهداف توسعه پایدار<sup>۲۱</sup> در نظر گرفته شده اند، فراتر از آن چیزی است که کشورهای عضو در زمان انجام گفتگوها پیرامون کلمه به کلمه اهداف اصلی و فرعی، دقیق و پر زحمت مورد مذاکره قرار داده اند. برای مثال شاخص‌هایی که برای مواردی که در ادامه می‌آیند ارائه شده‌اند، از این نوع هستند (اسلاتر، ۱۳۹۶، ۱۲).

#### 1. SDG

۲. اهداف توسعه پایدار باید بر مبنای کلیه اصول بیانیه ریو، دستور کار ۲۱ و برنامه اجرایی ژوهانسبورگ باشد و شرایط، ظرفیت‌ها و اولویت‌های متفاوت ملی کشورها را مد نظر قرار دهد. این اهداف باید به صورت منسجم با دستور کار توسعه سازمان ملل برای پس از سال ۲۰۱۵ عمل نماید. این اهداف پس از بحث و بررسی‌های متعدد در نهایت با عنوان دگرگونی و تحول در جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار پیشنهاد شد. به این ترتیب بر اساس توافقات انجام شده اهداف توسعه پایدار ((Sustainable Development Goals (SDGs)) جایگزین اهداف توسعه هزاره ((MDGs Millennium Development Goals)) پس از سال ۲۰۱۵ خواهد شد.

زنان همجنس باز<sup>۱</sup>: نگرش کودکان به موضوع همجنس باز - دسترسی به سقط جنین و خدمات بهداشتی باروری برای کودکان بدون رضایت والدین - اجرای آموزش جامع جنسیتی بحث برانگیز یا برنامه‌های «حقوق بشر». در هدف ۵، بحث تساوی جنسیتی مطرح شده است؛ واژه «جنسیت<sup>۲</sup> اغلب به جای واژه «جنس<sup>۳</sup>» به کار می‌رود تا به رسمیت شناختن تنوع جنسیتی را ترویج ببخشد (<https://un.org.ir>). در حالیکه در موارد بسیاری از دستور کار ۲۰۳۰، جنسیت به وضوح تنها به مذکر و مؤنث اشاره دارد، با این حال جنسیت می‌تواند حقوق تراجنسی‌ها و سایر موضوعات بحث برانگیز را با توجه به چگونگی تفسیر و اجرای آن، با خود به همراه داشته باشد. کشورهای توسعه یافته و دفاتر سازمان ملل متحد که همواره برای ترویج حقوق زنان همجنس باز فشار می‌آورند، اصطلاح جنسیت را در اهداف توسعه پایدار به گونه‌ای تفسیر خواهند کرد؛ که بتواند حقوق تراجنسی‌ها و نیز سایر انواع جنسیت را، نظیر هر کدام از ۲۱ نوع جنسیت شناخته شده در فیسبوک، ترویج دهند. به عنوان مثال: وبسایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد<sup>۴</sup> اظهار می‌دارد که در حال کار بر روی شناسایی «شکاف سیاستی» در برآورده کردن هدف شماره ۳ در اهداف توسعه هزاره<sup>۵</sup> هدف قبلی در تساوی جنسیتی هستند و این کار را از طریق «حساس کردن نمایندگان دولت‌ها و سایر تصمیم‌سازان در مورد اصلاحات قانونی فراگیر جنسیتی، از جمله در حقوق و نیازهای بهداشتی زنان همجنس باز» انجام می‌دهند. سند جدید «اقدام برای تساوی جنسیتی» در تایوان، که سندی اجرایی است، حکم می‌کند که برنامه آموزشی «تساوی جنسیتی» باید شامل «آموزش جنسی و آموزش

۱. عبارت LGBT مخفف برای زنان همجنس باز (Lesbian) مردان همجنس باز Gay، دوجنسیت‌ها Bisexual و تراجنستی‌ها Transgender است.

گاهی یک حرف I نیز Intersex به آن اضافه می‌شود که حاصل LGBTI خواهد شد، تا شامل افرادی شود که دوجنسه Intersex هستند. یعنی شرایط ندری که یک شخص با دستگاه تناسل مبهم یا با آلت تناسلی دارای ویژگی‌های همزمان مرد و زن به دنیا می‌آید. گاه نیز یک حرف Q Questioning به آن اضافه می‌شود و LGBTIQ را تشکیل می‌دهد و شامل افرادی می‌شود که در جستجو و تجربه پیرامون هویت جنسی و گرایش جنس خود هستند.

2. gender
3. sex
4. UNDP

۵. منظور از MDG اهداف توسعه هزاره Millennium Development Goals است.

همجنس بازی زنان و مردان» شود. (اسلاتر، ۱۳۹۶، ۱۱)

مسئله در ارتباط با موضوع « فراگیر / فراگیری زنان همجنس باز است که در هدف اصلی ۴، ۸، ۱۰-۲ و ۱۶ به آن اشاره شده است. اصطلاح «فراگیر<sup>۱</sup> یا «فراگیری<sup>۲</sup> بیش از ۴۱ بار در دستور کار ۲۰۳۰ و به طور خاص ۵ بار در اهداف اصلی و فرعی ظاهر شده است. در حالی که اغلب مردم از اصطلاح « فراگیر» معنای مثبتی برداشت می‌کنند، که منظور از آن تلاش برای رسیدن به این هدف است که کسی از رشد و توسعه بازماند، اما این اصطلاح یک لغت کلیدی است که در ترویج حقوق زنان همجنس باز به کار می‌رود. به عنوان مثال: گزارشی از آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۴ تحت عنوان: «رابطه بین فراگیری زنان همجنس باز و توسعه اقتصادی، تأثیر فراگیری اجتماعی زنان همجنس باز، مردان همجنس باز، دوجنسی‌ها و تراجنسی‌ها (زنان همجنس باز) را روی توسعه اقتصادی در ۳۹ کشور تحلیل می‌کند.» برخی از سرفصل‌های این گزارش عبارتند از: مرتبط ساختن فراگیری زنان همجنس باز و توسعه اقتصادی - ابعاد خرد توسعه اقتصادی و فراگیری زنان هم جنس باز برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد<sup>۴</sup> از گزارش «بررسی اقلیت‌های جنسی و جنسیتی نپال: یک رهیافت فراگیر حمایت کرده است، و هدفی را برای تأسیس «یک پایگاه شاهد در مورد حقوق زنان همجنس باز و موضوعات اجتماعی در آسیا - اقیانوسیه از طریق برگزاری گفتگوهای ملی فراگیر مدنظر قرار داده است» (اسلاتر، ۱۳۹۶، ۱۴).

شبکه آموزشی مردان همجنس باز و زنان همجنس باز<sup>۵</sup>، که یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های مدافع حقوق زنان همجنس باز در ایالات متحده است، سندی با عنوان «توسعه منابع کلاس درس فراگیر برای زنان همجنس باز» دارد، که در آن بهترین شیوه‌ها را پیرامون «برنامه درسی مورد تأیید و فراگیر برای همه دانش‌آموزان» ارائه می‌کند. درس‌ها «شامل نمایش وجهه مثبتی از تاریخ و رخدادهای پیرامون زنان همجنس باز، مردان همجنس باز، دوجنسی‌ها و تراجنسی‌ها است» و «برنامه درسی

- 1 inclusive
- 2 inclusion
- 3 USAID
- 4 UNDP
- 5 GLSEN

فراگیر برای زنان همجنس باز» را به دانش آموزان ارائه می‌کند.

شاخص فراگیری اجتماعی در ۲۰۱۴ که توسط شورای امریکا منتشر شده است، می‌گوید «ما فراگیری اجتماعی را در گستره وسیعی از حقوق (نظیر شهروندی، سیاسی، زنان، زنان همجنس باز، سیاست‌ها (نظیر سرمایه‌گذاری اجتماعی) شرایط ... تعریف کرده‌ایم (<http://www.americasquarterly.org>).

این مثال‌ها به وضوح نشان می‌دهد تعداد رو به افزایشی از کشورهای عضو، سازمان‌ها و نهادهای سازمان ملل متحد، توسعه «فراگیر» را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که مشمول ترویج حقوق زنان همجنس باز شود. با توجه به این نکته، برخی دیگر از مطالب دستور کار ۲۰۳۰ که در آنها اصطلاح «فراگیر» آمده است، معنا و مفهوم مضاعفی پیدا می‌کنند. برای مثال، هدف اصلی ۱۶ چنین درخواستی از دولت‌ها دارد: «ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح» (<https://un.org.ir>).

همچنین پاراگراف ۶۸ دستور کار ۲۰۳۰ اظهار می‌دارد که «تجارت جهانی، ابزاری برای رشد اقتصادی فراگیر و کاهش فقر است و در ترویج توسعه پایدار نقش دارد. ما به ترویج یک نظام جهانی ... فراگیر، به دور از تبعیض، منصفانه و چندجانبه برای تجارت تحت نظارت سازمان تجارت جهانی ادامه می‌دهیم».

در ارتباط با واژه عاری از تبعیض که در هدف فرعی ۱۶-ب و هدف فرعی ۳-۱۰ بیان شده است نیز ابهاماتی وجود دارد.

هدف فرعی ۱۱-۳ در اهداف توسعه پایدار خواستار «از میان بردن قوانین، سیاست‌ها و اقدامات تبعیض‌آمیز» است بدون اینکه معین کند چه نوعی از تبعیض مورد اشاره است. این مسئله فضا را برای تفاسیر وسیع در ترویج حقوق زنان همجنس باز، باز خواهد گذاشت. مثال‌های زیر نشان می‌دهد که دفاتر سازمان ملل متحد چگونه به طور آشکارا در حال حاضر مقررات نفی تبعیض را برای ترویج حقوق زنان همجنس باز تفسیر می‌کنند.

برای مثال در سال ۲۰۱۲ کمیسیون عالی حقوق بشر<sup>۱</sup>، اولین گزارش رسمی سازمان ملل متحد را در

مورد خشونت و «تبعیض» با عنایت به گرایش جنسی و هویت جنسیتی آماده کرد (A/HRC/19/41) سپس در سال ۲۰۱۳، کمیساریای عالی حقوق بشر، کمپین «آزاد و برابر» را با هدف «بالا بردن آگاهی برای تبعیض و خشونت علیه همجنس هراسی و تراجنس هراسی» به راه انداخت.

بعد از آن، در نوامبر ۲۰۱۴، کمیسیون عالی حقوق بشر، گزارش جامعی با عنوان «نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تبعیض و خشونت علیه افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی - یک بررسی برنامه محور منتشر کرد (<http://www.ohchr.org/Documents>).

این گزارش شامل اطلاعاتی بود که از طرف ۱۲ دفتر سازمان ملل دریافت شده بود و خلاصه‌ای از اقدامات آن‌ها در مبارزه با تبعیض و خشونت بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را فراهم کرده بود، و اقدامات صورت گرفته توسط آنها در حمایت از جوامع زنان همجنس باز، مردان همجنس باز، دوجنسی‌ها، تراجنسی‌ها و دوجنسه‌ها<sup>۱</sup> در سرتاسر جهان، را نیز گردآورده بود.

گزارش مذکور دفاتری از سازمان ملل را که در تنظیم آن مشارکت داشتند بدین صورت فهرست کرده بود: برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد<sup>۲</sup>، کمیسیون عالی حقوق بشر، برنامه مشترک با سازمان، برنامه مشترک ملل متحد در زمینه ایدز<sup>۳</sup>، بانک جهانی و سازمان جهانی بهداشت<sup>۴</sup>، سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد<sup>۵</sup>، سازمان بین‌المللی کار<sup>۶</sup>، نهاد سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی و قدرت بخشیدن به زنان<sup>۷</sup>، صندوق کودکان سازمان ملل متحد<sup>۸</sup>، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل<sup>۹</sup>، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد<sup>۱۰</sup> ملل برای سندرم نقص ایمنی اکتسابی / ویروس نقص ایمنی انسان<sup>۱۱</sup>. (اسلاتر، ۱۳۹۶، ۱۰-۳۱)

- 
- 1 Intersex
  - 2 UNDP
  - 3 UNAIDS
  - 4 WHO
  - 5 UNESCO
  - 6 ILO
  - 7 UN Women
  - 8 UNICEF
  - 9 UNHCR
  - 10 UNFPA
  - 11 HIV/ AIDS



در اکتبر ۱۹۹۸ کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز رویکرد دیگری را اتخاذ کرد؛ این کمیته در نظریه‌ی تفسیری شماره بیست خود مقرر می‌دارد: دولتهای عضو باید تضمین کنند که هویت جنسی یک فرد، مانعی برای شناسایی حقوق میثاقین برای افراد نیست. علاوه بر آن هویت جنسیتی یکی از مبانی ممنوعه‌ی تبعیض شناخته می‌شود. (Tbinternet.Ohchr.org) در این رویکرد هویت جنسیتی مبنایی مستقل برای تبعیض به شمار می‌رود (Whittle, 2002, 241). گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر در بخش اول، افراد تراجنسیتی را برخوردار از حقوق برابر با دیگر هویت‌های جنسیتی می‌داند و معتقد است که هویت جنسیتی باید به طور مستقل در مبانی تبعیض در میثاقین نام برده شود (www.ochr.orgvisited At: 14/09/2015)

علاوه بر موارد فوق باید بیان نمود که اشاره‌های مستقیم به حفاظت از «نهاد خانواده» یا نقش تعیین کننده خانواده در اجرای اهداف توسعه پایدار در خلال مذاکرات اهداف توسعه پایدار رد شد. اتفاق مذکور علیرغم این واقعیت موجود است که یکی از قطعنامه‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ نگرانی پیرامون این موضوع را «که مشارکت خانواده در جامعه و در دستیابی به اهداف توسعه همچنان نادیده و بی اهمیت انگاشته می‌شود» تشریح می‌کند و کشورهای عضو را به «حساب کردن روی نقش خانواده، به عنوان یکی از یاری کنندگان توسعه پایدار» فرا می‌خواند و «نیاز به تقویت توسعه سیاست‌های مربوط به خانواده را، در راستای تلاش‌های پیش رویشان جهت دستیابی به اهداف توسعه مورد توافق بین‌المللی، اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد و اهداف توسعه آینده سازمان ملل متحد» متذکر می‌شود.

ادبیات کمتر بحث برانگیز مرتبط با خانواده که در دستور کار ۲۰۳۰ لحاظ شده است شامل یک اشاره مستقیم به نهاد خانواده<sup>۱</sup> در رابطه با مسئولیت‌های مشترک در خانه داری (هدف فرعی ۴-۵ در اهداف توسعه پایدار) است. یک اشاره نیز به «کشاورزان خانوادگی» در ارتباط با افزایش بهره‌وری و درآمد مزرعه‌های خانوادگی (هدف فرعی ۳-۲ در اهداف توسعه پایدار) شده است. در نهایت نیز یک اشاره به «خانواده ها در ارتباط با مشارکت در پرورش محیط آموزشی برای کودکان شده که بدین صورت بیان شده

است: «ما کماکان تلاش می‌کنیم تا برای کودکان و جوانان محیطی پرورشی فراهم آوریم تا آن‌ها به درک کاملی از حقوق و ظرفیت‌هایشان برسند و از طریق ایجاد مدارس امن و جوامع منسجم و خانواده‌ها به کشورهایمان کمک می‌کنیم تا سود حاصل از جمعیت را از آن خود کنند.» با این حال توجه داشته باشید که عبارت «خانواده‌ها در انتها و پس از عبارتهای «مدارس امن» و «جوامع منسجم» ذکر شده است.

همچنین در سند آموزش ۲۰۳۰ در ۳ بند عنوانی از خانواده آمده است که همچون دستورکار بسیار منفعل و دور از توجه به اثر خانواده در آموزش و توسعه پایدار است: در پاراگراف ۲۴ جهت رفع بیسودی پیشنهاد می‌گردد؛ که از رویکردهای بین بخشی در حوزه‌های آموزش، علم و فناوری، «خانواده»، اشتغال، صنعت و توسعه اقتصادی، مهاجرت و ادغام اجتماعی، شهروندی، رفاه اجتماعی و سیاست‌های مربوط به تأمین هزینه‌های عمومی آموزش استفاده شود؛ و در پاراگراف ۳۶ آگاه‌سازی افراد «خانواده» جز آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی محسوب می‌شود و در پاراگراف ۵۱ سوادآموزی به عنوان عاملی برای بهداشت «خانواده» معرفی می‌گردد. این مسئله عمدتاً به دلیل اصرار کشورهای حامی زنان هم‌جنس باز در خلال مذاکرات صورت پذیرفته است که عبارت «نهاد خانواده یا باید تغییر یابد و یا به لحاظ ادبی به گونه‌ای اصلاح شود که «اشکال مختلف خانواده» را به رسمیت بشناسد تا خانواده‌های زنان هم‌جنس باز نیز رسمیت یابند. این موضوع یکی از بزرگترین نقاط مشاجره‌آمیز در مباحثات اهداف توسعه پایدار بود و در نهایت، تنها اشاره مستقیم به واژه «نهاد خانواده» که دارای نقش مهمی در توسعه پایدار است از اسناد نهایی اهداف توسعه پایدار حذف شده است. اگرچه دستور کار ۲۰۳۰ تأکید مجددی بر اسناد متعددی از سازمان ملل متحد دارد که نهاد خانواده را مورد تصدیق قرار می‌دهند. برای مثال پاراگراف ۱۲ بیان می‌دارد که دستور کار ۲۰۳۰ در اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر ریشه دارد. ماده ۳-۱۶ از اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اظهار می‌دارد که «نهاد خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به وسیله جامعه و حکومت نگاهداری شود.» از آنجایی که پاراگراف ۱۲ اسناد، معاهدات بین‌المللی حقوق بشر را تصدیق می‌کند و پاراگراف ۱۷ سند آموزش ۲۰۳۰ اینچئون بیان می‌کند: تعدادی سند معیارگذار بین‌المللی وجود دارد که این اسناد پشتوانه و حافظ حق افراد در مورد

## 1. UDHR

ارزیابی مسئله خانواده با محوریت نقش زن در سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو

آموزش اند و از نظر حقوقی لازم الاجرا هستند. اسناد یادشده عبارتند از: پیمان نامه ها، میثاق ها، توافقنامه ها و پروتکل ها و همچنین اسناد بین المللی مانند توصیه نامه ها و بیانیه ها که ابعاد سیاسی و اخلاقی بسیار قوی... این مسئله تاحدی می تواند خلأ مذکور را رفع نماید.

تمامی موارد مذکور نشان دهنده میزان تفاوت های ماهوی در محتوای واژگان و اهداف سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو که در راستای سایر اسناد بین المللی و توسط تدوین کنندگان غربی چارچوب یافته است با آموزه های داخلی فرهنگ ایرانی اسلامی می باشد. در ادامه به اسناد داخلی و محتوای آن ها در ذیل پاسخ به سوال دوم اشاره خواهیم داشت.

پس از پاسخ به اولین سوال اساسی پژوهش در مطالب فوق، باید به دومین سوال اهداف پژوهشی پرداخت در بیان این پرسش به دنبال پاسخ برای این سوال خواهیم بود که میزان همگرایی این سند که طبیعتاً با توجه به بنیادهای ایدئولوژیکی و فرهنگی خاص خود تدوین شده است با اسناد داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز آموزه های فرهنگی ما که ریشه های اعتقادی و عرفی جامعه ایران را دارد چقدر است؟

جهت پاسخگویی به این سوال نگاهی اجمالی به قواعد تشریحی داخلی و سپس سند ۲۰۳۰ ضروری به نظر می رسد:

آنچه در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بی طرفی جنسی در برنامه ریزی مورد توجه سیاستگذار بوده است، در برنامه چهارم توسعه به سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیض مثبت حرکت نموده و برخی از مواد بحث زنان و خانواده در این برنامه، از سند پکن گرفته شده است. در برنامه چهارم توسعه هیچ اشاره ای به مسئولیت دولت در زمینه ارتقاء جایگاه زن در خانواده (با نقش همسری و مادری) نشده و دولت هیچ تکلیفی در زمینه ارتقای حقوق معنوی زنان ندارد، در حالی که قانون اساسی در اصل ۲۱ و اصل ۱۰ بر حفظ نهاد خانواده و حقوق معنوی زنان تأکید می نماید. در این لایحه، عبارات «خشونت علیه زنان»، «عدالت جنسیتی»، «تبعیض جنسیتی»، «رفتارهای جنسی پرخطر»، «توانمندسازی» (مواد ۱۴۳، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۸۰) که از اصطلاحات سند پکن است، با همه ابهام های آن، بر عبارت «حقوق معنوی» مصرح در قانون اساسی، اولویت پیدا کرده است. در راستای عمل به این مواد رئیس اداره حقوق بشر و زنان وزارت خارجه در حاشیه برگزاری نشست عالی بین الد ولی منطقه آسیا-اقیانوسیه برای بررسی

اجرای اسناد پکن و پکن + ۵ در بانکوک اظهار داشت: «مرکز امور مشارکت زنان تلاش بسیاری در گنجاندن موضوعی به نام «توانمندسازی زنان» در لایحه چهارم برنامه توسعه کشور کرده و این تلاش مظهر بارز اصلاح ساختاری مسائل زنان در ایران است». (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

اما در بررسی سند ۲۰۳۰ باید بیان داشت که دو سند دستور کار و آموزش ۲۰۳۰ بسیاری از موارد را به اسناد بین‌المللی ارجاع داده اند که شاید مورد تأیید و امضای تمام کشورهای عضو یونسکو نباشد و علاوه بر این، عمل مذکور کمک شایانی می‌کند تا مفاهیم متفاوت و بعضاً غیرقابل پذیرش به عرف جهانی تبدیل شوند. باید در نظر داشت که عرف وایدئولوژی مقبول برخی جوامع نمی‌تواند به عنوان راهبرد جامع برای سایر جوامع پیشنهاد گردد، زیرا این جوامع نتوانسته اند تمامی جوانب انسان کنونی را به نحوی منطقی اقناع نمایند. به عنوان مثال عدم توجه به نقش نهاد خانواده و ارکان آن در جامعه خللی مهم در این سند تلقی می‌گردد و به عبارتی می‌توان گفت که گویی بدنبال انکار نقش مهم و کلیدی خانواده در همه اهداف مانند توسعه پایدار که خود نیز آن را دنبال می‌کنند هستند و این انکار یک اصل بدیهی و اولیه است که در عمل هم رسیدن به اهداف توسعه پایدار را بدون در نظر گرفتن بحث خانواده دچار خalahای جدی خواهد کرد.

به طور خلاصه اهداف آموزشی در سند ملی ۲۰۳۰ عبارت است از: توسعه پایدار، تساوی جنسیتی، یکسان سازی افراد، خشونت زدایی و ارزش‌گذاری به نهاد خانواده (هر نوع خانواده ای). در این الگو هر نوع خانواده‌ای اعم از دو زن، دو مرد و... که خانواده‌ای را تشکیل داده باشند محترم هستند به طور خلاصه در تدقیق این سند آنچه که مورد پذیرش مولفان این سند است اعتقاد به سکولاریسم می‌باشد (سلگی، کریمی، ۱۳۹۸، ۱۸).

برخلاف انفعال اسناد اخیر یونسکو در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران به ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تأکید بسیاری بر نهاد خانواده و اثر آن در آموزش و اثر آموزش در خانواده داشته است؛ در واقع هم غفلت از نقش خانواده به معنای فطری و طبیعی آن مشکلات جدی برای جوامع ایجاد خواهد کرد؛ به عنوان مثال:

تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی‌ها و مهارت‌های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضائات جامعه اسلامی (راهکار ۴).

تدوین برنامه جامع مشارکت خانواده و نهادهای تربیتی و آموزشی برای تقویت فرهنگ تربیتی

خانواده ها و تحقق شایستگی های پایه دانش آموزان (راهکار ۳/۴).  
 اضافه نمودن درس مدیریت و سلوک مناسب خانواده به جدول برنامه‌ی درسی دوره متوسطه در تمامی رشته ها و برای تمام دانش آموزان (راهکار ۴/۵).  
 تهیه و تدوین محتوای آموزشی برای دانش آموزان جهت آشنایی با ویژگی ها، نیازها و وظایف خانواده در چارچوب ارزش ها و معیارهای اسلامی (راهکار ۶/۴) (سازمان بسیج حقوق حوقدانان، ۱۳۹۶، ۲۳).

آنچنان که از مطالب ابتدایی این مقاله تا کنون ملاحظه می‌گردد در هیچ یک از قوانین تشریحی جمهوری اسلامی ایران حمایتی از خانواده‌های نوپدید صورت نگرفته است و همواره اشاره و حمایت از خانواده در معنای فطری و سنتی آن می‌باشد.

به طور خلاصه در بررسی الگوی های اهداف نظام تربیتی - آموزشی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم مفاهیمی شامل: خدا محوری در نظام آموزش، عدالت تربیتی، مبانی ایرانی به عنوان معیار ارزش‌گذاری، تعلیم و تربیت پژوهش محور، ارزش‌گذاری به خانواده (زن و مردی که با عقد ازدواج صاحب فرزند شده اند) مد نظر می‌باشد؛ در این الگو مفهوم بنیادین خدامحوری در نظام تربیتی و آموزشی است که با استمداد به مبانی اعتقادی عدالت تربیتی را در سیستم تربیتی و آموزشی به همراه دارد. معیار ارزش‌گذاری در این الگو بر مبنای مبانی ایرانی اسلامی است و خانواده‌ای محترم شمرده می‌شود که با عقد رسمی زن و مرد صاحب فرزند گردند (سلگی، کریمی، ۱۳۹۸، ۱۸).

واقعیت این است که در قرن بیست و یکم در غرب خانواده اساس تفکیک نقش‌ها شده و جنسیت مهم‌ترین معیار و ملاکی است که تفکیک وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی بر اساس آن صورت می‌گیرد (ابوت، ۱۳۸۰، ۱۴). از دیگر ره‌آوردهای حصول تساوی جنسیتی، استقلال، برابری زن و مرد و شکستن قالب‌های کلیشه‌ای مبتنی بر جنسیت و طبیعت فیزیکی و فطری زن و مرد بوده است.

آنچه امروزه در حال بروز تدریجی است اختلالات فرهنگی است که به صورت مشهود قابل رویت است. زیان این اختلالات در درجه اول خانواده و جامعه را در بر خواهد گرفت. در عمل مصنوعات فرهنگی و هنری چون داستان، موسیقی و فیلم که باید در عین خلاقیت، برای برقراری ارتباط و تقویت ارزش‌های جامعه و افراد گام بردارد و آن چیزی را که باید نوجوانان بدانند تا با آگاهی از آن‌ها به بزرگسالی پا نهند،

نمی‌آموزند (<http://nowspeakenglish.com>) و از سوی دیگر از آنجا که افراد باید در نهاد خانواده مورد تربیت جنسی قرار گیرند، اما با تضعیف بنیان خانواده، مواجه با پیامدهایی چون تولید نسل فرزندان بدون والد، سقط‌های مکرر و به خطر افتادن سلامت جسمی زنان می‌شوند.

در بعد اقتصادی هم به جای آنکه کار در خدمت و حامی خانواده‌ها باشد، اغلب خانواده‌ها به نفع کار نادیده انگاشته می‌شوند؛ به نحوی که پدران همیشه مشغول به کار و یا در رفت و آمد کاری به سر می‌برند که به پیکره خانواده ضربه سختی وارد می‌کند (<http://nowspeakenglish.com>). بنابراین ازدواج‌های شکست خورده، کودکان بی سرپرست، پورنوگرافی، سقط جنین و بسیاری از موارد دیگر به ویژه فرهنگ جنگ حاکم بر رفتار زنان و مردان جامعه مهم‌ترین مسائل خانوادگی هستند.

در این انتهای این بحث نگاهی هر چند اجمالی به گزارش سرگذشت خانواده‌هایی که مولد اجرایی سازی راهبردهای نویسندگان این اسناد بوده اند راه روشنی را پیش روی خواهد گذاشت؛ آنچنان که به گزارش مرکز منابع خشونت جنسی ملی آمریکا (NSVRC)<sup>۱</sup> از هر ۵ زن، یک زن و از هر ۷۱ مرد، یک مرد در طول عمر خود مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد، هزینه سالانه تجاوز در آمریکا بسیار بالاتر از سایر جنایت‌ها و برابر با ۱۲۷ بلیون دلار است، تجاوز جنسی به مردم ناحیه مورد حمله در ارتش آمریکا در موارد متعددی به عنوان یک سیاست سازمانی<sup>۲</sup> مطرح است و در عین حال تجاوز به بازداشتشدگان و تجاوز به زنان مبارز در ارتش آمریکا اتفاق می‌افتد. طبق تخمین وزارت دفاع آمریکا، ۶۷٪ زنان و ۸۱٪ مردان در ارتش آمریکا تجاوز جنسی به خود را اعلام نمی‌کنند. عریان بودن امور جنسی در جامعه و تبلیغ و ترویج آن، نه تنها بر رفتار جنسی مردم تاثیر می‌گذارد بلکه بر نگرش‌ها، باورها و هویت‌پذیری جنسی نیز اثرگذار است. وارد در پژوهش‌های مکرر خود به این نتیجه دست یافت که این اتفاق، موجب جنسیتی شدن نگرش‌ها و باورها و رفتارهای استفاده‌کنندگان از این رسانه‌ها شده و زنان را به عنوان اشیاء جنسی به مخاطبان معرفی می‌کند؛ این مواجهه همچنین بر روی مواجهه مردان با زنان و واکنش‌دهی به آنها در روابط و تعاملات آنها اثر می‌گذارد. جنسی دیدن زن، نگاه جنسی و نه انسانی به او، افزایش خشونت نسبت به زن پذیرش آن در زنان برخی از پیامدهای فرهنگ رایج رسانه‌ای در غرب امروز است. آموزش‌های زود هنگام مربوط به مسائل جنسی خاص

1. National sexual violence resource center
2. organizational policy

مادی گرایی افراطی در غرب است و سود عظیمی که از تجارت در ابعاد مختلف این مسأله به خزانه سرمایه داران منتهی می‌شود و از سوی دیگر گسترش نگاه لذت گرایانه و اومانستی انسان امروز است که آن نیز از سیاست‌های حاکمان حکومت‌های سرمایه داری است که انسان را از خود حقیقیش دور کرده‌اند. به نظر می‌رسد هرچند در فرایندهای قانونی و قانونگذاری سال‌های اخیر اهتمام بر بارز نمودن نقش زن در جوامع غربی دیده می‌شود اما با توجه به انحراف کشاندن زن از ایفای نقش اصلی خود به عنوان محور اساسی در خانواده در این نحو تعاریف نقش، بنیان خانواده در این جوامع از مسیر اصلی و فطری خود خارج شده است که این مسأله تهدیدی علیه سلامت بشریت به شمار می‌آید.

در این شرایط کلید ایجاد خانواده‌ی مستحکم، مشارکت و پشتیبانی اخلاق، فرهنگ و دین از بنیان‌های خانواده است. به همین علت ضروری است تا در کنار تأکید بر حقوق فردی بر حقوق خانوادگی و جمعی تکیه گردد. اساس معاهدات حقوق بشری اصل مساوات بین تمامی افراد است، در حالی که در نظام اسلام زن و مرد مکمل یکدیگرند.<sup>۱</sup> در دکترین حقوق بشر اسلامی هدف نظام حقوقی، تحقق عدالت است و برابری وسیله و ابزاری برای رسیدن به این هدف شمرده می‌شود نه آنکه عدالت وسیله‌ای برای نیل به برابری و مساوات باشد. (توحیدی، ۱۳۹۱، ۴۳)

در نتیجه با وجود اسناد ایرانی که مناسب‌ترین جایگزین و از نظر تدوین مقدم بر سند ملی آموزش ۲۰۳۰ یونسکو می‌باشند، اسنادی که با محتوایی هم‌سو با آموزه‌های فرهنگ ایرانی اسلامی نگارش یافته‌اند، اساساً نیازی به اجرای اسناد پیشنهادی سایر ملل در راستای جهت‌دهی به مهم‌ترین بنیان‌های آموزش و تربیت تمدن ساز نسل آینده یک ملت نمی‌باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در سپتامبر ۲۰۱۵ رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد را متعهد می‌کند تا اهداف دستور کار این سند را که نتیجه یک فرایند گسترده مشورتی در سطح جهانی است را در سیاست گذاری کلان ملی خود از ابتدای سال ۲۰۱۶ مدنظر داشته باشند.

آموزش که هدف چهارم این دستور کار است در تحقق کلیه اهداف این دستور کار به طور مستقیم و غیر مستقیم نقش اصلی و محوری به عهده دارد.

اهداف آموزشی در برنامه‌ی ملی ۲۰۳۰ عبارت است از: توسعه پایدار، تساوی جنسیتی، یکسان سازی

۱. سوره روم آیه ۲۱

افراد، خشونت زدایی، ارزش‌گذاری به نهاد خانواده (هر نوع خانواده‌ای) در این الگو مفهوم بنیادین توسعه پایدار است و در پرتو تلاش در جهت ایجاد شهروند جهانی و شهروند جهان وطن، یکسان‌سازی افراد صورت می‌گیرد، در این الگو هر نوع خانواده‌ای اعم از دو زن، دو مرد و... که خانواده‌ای را تشکیل داده باشند.

لازم به ذکر است تبصره‌هایی که خواستار محافظت از خانواده و به رسمیت شناخته شدن نقش خانواده در توسعه بودند و تبصره‌های مربوط به استحکام حقوق و نقش والدین در رابطه با فرزندانشان، همچنین تبصره‌هایی که مشوق احترام به ارزش‌های مذهبی و فرهنگ بودند، تماماً در طول مذاکرات سازمان ملل متحد رد شده و در برنامه گنجانده نشدند و بعضی از شاخص‌های مطرح شده، که برای کمک به دفاتر سازمان ملل متحد و دولت‌ها جهت سنجش میزان دستیابی به اهداف توسعه پایدار<sup>۱۲</sup> در نظر گرفته شده‌اند، فراتر از آن چیزی است که کشورهای عضو در زمان انجام گفتگوها پیرامون کلمه به کلمه اهداف اصلی و فرعی، دقیق و پر زحمت مورد مذاکره قرار داده‌اند. (اسلاتر، ۱۳۹۶، ۱۲). به عبارت دیگر تبصره‌هایی که بر خلاف مبانی و اهداف سند مذکور است و در مجموع در جهت حمایت، حفاظت و تحکیم خانواده است تماماً نادیده گرفته شده است و این خود دلیلی محکم بر این مدعا می‌تواند باشد که این سند به دنبال ارائه مدل خاصی از خانواده با تعریف خاص خویش است.

باتوجه به آرمان سند ملی ۲۰۳۰ یونسکو در راستای ایجاد تغییرات گسترده در حوزه‌های مختلف برای کشورهای متعدد، باید اظهار کرد که این تفاوت‌های ماهوی بیانگر ضرورت نگارش این پژوهش در راستای بیان ناسازگاری محتوای سند ملی آموزش ۲۰۳۰ یونسکو با محتوای اسناد داخلی می‌باشد.

در این مجال پس از بیان مفاهیمی همچون نهاد خانواده ازدواج یا نکاح و اشکال نوپدید خانواده به

## 1. SDG

۲. اهداف توسعه پایدار باید بر مبنای کلیه اصول بیانیه ریو، دستور کار ۲۱ و برنامه اجرایی ژوهانسبورگ باشد و شرایط، ظرفیت‌ها و اولویت‌های متفاوت ملی کشورها را مد نظر قرار دهد. این اهداف باید به صورت منسجم با دستور کار توسعه سازمان ملل برای پس از سال ۲۰۱۵ عمل نماید. این اهداف پس از بحث و بررسی‌های متعدد در نهایت با عنوان دگرگونی و تحول در جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار پیشنهاد شد. به این ترتیب بر اساس توافقات انجام شده اهداف توسعه پایدار ((Sustainable Development Goals (SDGs)) جایگزین اهداف توسعه هزاره ((MDGs Millennium Development Goals)) پس از سال ۲۰۱۵ خواهد شد.



بررسی آیات قرآن در اثبات شناسایی نهاد خانواده پرداختیم و با اشاره به آیاتی همچون «والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفده» (نحل ۷۲) بیان نمودیم که با آینده نگری قرآنی خروج از حالت طبیعی ورود به عاقبت نابودی قومی همچون لوط را به همراه خواهد داشت در قوانین داخلی در راستای حمایت از نهاد خانواده و زنان نیز تا سال ۱۳۹۰ به تفکیک قوانین حمایتی در ارتباط با خانواده و زوجیت، اشتغال، مورد بررسی قرار گرفته شده است که در چهار عنوان کلی: ۱- قوانین موضوعه با تحکیم خانواده و حمایت از نقش زنان ۲- قوانین مرتبط با حمایت از اشتغال زنان ۳- قوانین حمایت از سلامت خانواده و زنان ۴- قوانین حمایتی مادران و کودکان خلاصه و بیان گردید.

سوال اساسی مطرح در این مقاله بیان مغایرت‌های اهداف یا عبارات سند ۲۰۳۰ یونسکو و موازین تشریحی داخلی و بیان میزان همسویی این سند با آموزه‌های مورد تعلیم در اسناد داخلی است، در سند ۲۰۳۰ یونسکو بند یا تبصره‌ای مرتبط با استحکام حقوق و نقش والدین در رابطه با فرزندانشان در سند ۲۰۳۰ یونسکو ملاحظه نمی‌شود علاوه بر اینکه لغاتی که در موقعیت‌های گوناگون معانی مغایر با فرهنگ ایرانی اسلامی دارند مانند جنسیت به جای جنس، فراگیر، عاری از تبعیض و... به کرات در این سند مورد استفاده قرار گرفته اند همچنین بر خلاف آموزه‌های مورد هدف در این سند در اسناد داخلی خانواده جایگاه اساسی در نظام تربیتی دارد و تقویت نظام خانواده در چارچوب ارزش‌ها و معیارهای اسلامی یکی از اهداف راهبردی است که در قانون اساسی کشور نیز در قالب حفظ و تحکیم نهاد خانواده به آن‌ها اشاره شده است. در این نظام تنها خانواده‌ای محترم شمرده می‌شود که با عقد رسمی زن و مرد صاحب فرزند گردند. اجرایی‌سازی آرمان‌های سند ملی آموزش ۲۰۳۰ یونسکو موجب ایراد آسیب‌های جبران‌ناپذیر به بنیان‌های آموزش بومی و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی ما خواهد شد. بدین جهت ضرورت تحقیق و پژوهش‌های گسترده جهت آگاه‌سازی نخبگان جامعه باید صورت گیرد تا با برجسته‌سازی تغایرات موجود در این سند خارجی و محتویات انگاره‌های فرهنگی آموزشی داخلی، امکان اجرایی‌سازی سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ را با مطالبه مردمی، به حداقل رسانند. از آنجا که پایه‌های این سند براساس مبانی فلسفی خاص مولفین آن استوار است طبیعتاً اثرات مبانی و اصولی همچون اومانیسیم، لیبرالیسم و سکولاریسم به خوبی در این سند هویدا است و مشخص است که

متن و محصول فوق‌زاییده آن مبانی است و آرمان‌نهایی این سند تربیت نسلی با چارچوب‌های مدنظر تدوین‌کنندگان این سند است و قاعدتا پذیرش آن از سوی حاکمیت‌کشورهایی که از اساس با این مبانی در تعارض هستند امری طبیعی است. ضمن اینکه اساساً محتوای برنامه‌های آموزشی هر کشور ورود به بحث‌های حاکمیتی کشورها است و مطابق با ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد سایر کشورها از دخالت در این امور باید خودداری نمایند (همرنگ، ۱۳۹۳: ۱۱)؛ لیکن با تصویب برخی اسناد کشورها تمایلشان را نسبت به اعلام اجازه دخالت، به سایر نهادها و کشورها اعلام می‌دارند. رهبر معظم انقلاب در این خصوص تأکید کردند که «ما برای تربیت نسل آینده با حریفی به نام «نظام سلطه بین‌المللی» مواجه هستیم که برای نسل جوان ملت‌ها به ویژه ملت ایران برنامه دارد. نوسازی نظام آموزشی به شیوه تقلیدی و رونویسی از دست‌غربی‌ها کاری غلط است. آموزش و پرورش در قانون اساسی، مسئله‌ای «حاکمیتی» است و دولت باید نقش‌آفرینی کند» (<http://farsi.khamenei.ir>) سند ۲۰۳۰، دولت‌ها را به فراهم کردن فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای افراد ترغیب می‌کند، تا تک‌تک افراد به رشد فکری ادامه دهند و برنامه اصلی خود را دگرگون ساختن جهان ما بیان می‌کند؛ اما آرمان مورد پذیرش جهت تغییر را بیان نمی‌دارد، روشن است که تغییر مد نظر در یک کشور اسلامی از نوع جمهوری تفاوت تام با تغییر مد نظر یک کشور سکولار یا لیبرال دارد؛ (سلگی، کریمی، ۱۳۹۸، ۱۸) بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی<sup>(ره)</sup> انقلاب مردم ایران را نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> دانسته و معتقدند که پشت کردن به فرهنگ دول‌دنیای امروز و پایه‌ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی به دنبال دارد؛ می‌دانند (موسوی‌الخیمینی، ۱۳۷۱، ۳۲۷).

براساس سند ۲۰۳۰ کشورهای عضو ملزم به رعایت و اجرای دقیق ۱۷ سرفصل اعلام شده هستند و این سازمان بر حسن اجرای آن نظارت می‌کند.

در کشور ما نیز بخشی از مفاد و الزامات سند به امضا برخی مسئولان تا معاون اول ریاست جمهوری رسید اما از آنجا که اجرای اسناد جامع بین‌المللی نیازمند مصوبات بقیه قوا نیز هست این امر از روند اجرا در دستگاه‌های دولتی به ظاهر خارج شد (با مخالفت مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی) اما با این حال گزارش‌هایی از اجرای برخی مفاد این سند بصورت

غیر رسمی در دست است، سندی که در حوزه آموزش کشور مغایر با روح سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. بر این اساس ایران با امضای این سند متعهد شده است که اهداف میان مدت و بلند مدت آموزشی خود را براساس همین سند تنظیم و اجرا کند (یوسف پور، ۱۳۹۶، ۱۳). سندی که بخش مهمی از محتوای مغایر با مفاهیم حمایت از خانواده به مفهوم ایرانی اسلامی را در بر دارد و از اساس در برخی تعاریف با مفهوم پذیرفته شده خانواده که مبتنی بر فطرت بشری است مغایرت دارد. در حالی که درسند تحول بر نقش محوری خانواده تأکید می‌شود و به درستی جایگاه بحث مطرح شده است.

در سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ مشخص نیست کیفیت در این آموزش را چه شخص یا نهادی معین می‌کند و چگونه آموزشی با کیفیت خواهد بود؟ یکی دیگر از دغدغه‌های اصلی شیوه گزارش دهی و میزان اطلاعات صادر شده از کشور در ارتباط با بنیادهای آموزش ملی می‌باشد که می‌تواند داده‌های لازم جهت تنظیم اسناد راهبردی را برای رسیدن ارتباط سلامت جنسی در چارچوب خانواده و بحث زن به طور خاص و خانواده باید مطرح شود را فراهم نماید. این موضوع غیر از این مساله است که اساساً سند ۲۰۳۰ با توجه به مبانی معرفت‌شناختی و فلسفی مورد پذیرش تدوین‌کنندگان این سند است و تعمیم و توصیه آن به سایر کشورها باید پس از بررسی‌های عرفی و ایدئولوژیکی داخلی و بومی هر کشور صورت گیرد.

به نظر می‌رسد که با مطالعه آنچه در غرب امروز می‌گذرد به این مهم دست خواهم یافت که راه طی شده دنیای سرمایه داری که تمام برنامه‌های آن متناسب برای تربیت شهروندانی خاص این جوامع است که با نگاه خاص خود در پی دستیابی به سود عظیم مادی از یک سو و گسترش نگاه لذت‌گرایانه و اومانیستی از سوی دیگر است الگویی مناسبی برای سعادت انسان در جغرافیای فکری جامعه ما با توجه به فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی نیست. این فرهنگ در تلاش است تا بازتعریف خانواده و جایگاه زن از منظری نو هر یک از این مفاهیم را از کارکردهای اصلی خود دور نماید و در نگاهی جامع تهدیدی علیه سلامت بشریت به شمار می‌آید.

با لحاظ این مسأله و مفاد فوق به نظر می‌رسد که می‌توان به دلایل مشخص محتوای سند را که با سوالات جدی روبروست مورد پرسش قرار داد. در این صورت نیاز است که دلایل عدم اجرا را به طور صریح و با موازین متقن اعلام نمود. زیرا آنچه در مورد جمهوری اسلامی ایران و برخی

کشورهای مسلمان در بسیاری از کتب و اسناد حقوق بشری (تاموشات، ۱۳۸۶، ۱۳۱ و ۱۷۷) ذکر می‌شود این است که این کشورها تمایل واقعی به اجرای معاهدات ندارند؛ لذا به همراه عضویت در معاهدات از **حق شرط‌های** متعددی استفاده می‌کنند که در واقعیت امر اجرایی سازی معاهده را با مشکل مواجه می‌سازد.



## منابع

۱. ابوت، پاملا (۱۳۸۰). جامعه شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم مراقی. تهران. نی.
۲. احمدی، مینا (۱۳۸۴). پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران، بخش پایانی: تحول در امور بنیادین. فصلنامه کتاب زنان. شماره ۳۰.
۳. اسلاتر، شارون، (۱۳۹۶). تحلیلی بر دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل برای توسعه پایدار تهدیدهای پنهان برای زندگی خانواده و کودکان. سازمان بسیج حقوقدانان.
۴. الیاسی، مرتضی (۱۳۸۳). «حق شرط بر معاهدات بین‌المللی». معرفت. شماره: ۸۳
۵. بهرامی، فاطمه، اعتمادی، عذرا (۱۳۹۱). «رشد تحصیلات زنان در ایران به عنوان الگویی از زنان مسلمان». تهران: پیام عدالت.
۶. تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶). حقوق بشر. مترجم. شریفی طرازکوهی. حسین. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۷. توحیدی، احمدرضا (۱۳۹۱). تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. مطالعات راهبردی زنان. تهران: سال پانزدهم شماره: ۵۷.
۸. حسینی، سید حسن، مینا عزیزی (۱۳۹۵). بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات زن و خانواده. دوره ۴. شماره: ۱.
۹. جزایری، سید حمید، بصیرت، محمد یاسین (۱۳۹۷). اعجاز علمی اجتماعی قرآن در قانونمندی جامعه در نهاد خانواده، دو فصلنامه علمی-ترویجی قرآن کریم. سال دوازدهم. شماره: ۲۲
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن (جامعه در قرآن)، قم. مرکز نشر اسراء.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۴/۱۲) در دیدار با جمعی از دانشجویان. قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir>
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵/۲/۱۲) در دیدار با معلمان سراسر کشور. قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir>
۱۳. حسینی کوهساری، سید اسحاق (۱۳۸۴). پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام. پژوهش‌های دینی. سال اول. شماره: ۲.

۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). فرهنگ لغت. تهران: سیروس
۱۵. زعفرانچی، لیلیا سادات (۱۳۸۱). زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه. مطالعات راهبردی زنان. شماره ۳۳
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
۱۷. سازمان بسیج حقوقدانان (۱۳۹۶). گزارش تحلیلی (حقوقی) سند ۲۰۳۰؛ خلاءهای داخلی، تهدیدهای بین‌المللی. بی‌جا.
۱۸. سلگی، مریم، کریمی، سوده (۱۳۹۸). سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران و حق آموزش زنان. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. سال چهاردهم. شماره: ۴۸.
۱۹. صدر، سیدباقر (۱۳۸۱) تفسیر موضوعی سنت‌های تاریخ در قرآن، تهران. انتشارات تفاهم.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۶). مباحث علمی در تفسیر المیزان، قم. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۹۷۲). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت، موسسه الاعلمی.
۲۲. فیاض، فاطمه، اخوت، احمد رضا (۱۳۹۸). تربیت در سایه عفاف. بی‌جا.
۲۳. محمدباقر، مجلسی (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ سوم.
۲۴. مطهری، مرتضی نظام حقوق زن در اسلام. تهران. انتشارات صدرا، چ چهاردهم.
۲۵. مقدمی خمایی، نیلوفر (۱۳۹۸). حمایت از نهاد خانواده در نظام بین‌المللی حقوق بشر. استاد راهنما، شهبازی، آرامش. استادان مشاور، زمانی، سید قاسم، صفاری نیا، محیا. دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی سند ۲۰۳۰ آموزش یونسکو. قابل دسترس در <http://baleegh.ir/article/anti2030/>
۲۷. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۴). بررسی فقهی - حقوقی در خصوص تغییر جنسیت با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره). پژوهشنامه متین. شماره: ۳۶.
۲۸. موسوی الخمینی، سید روح الله (۱۳۷۱). مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۹. یوسف زاده، احمد، معصومی، شهرام، مهران شعبانخواه، لیلی (۱۳۹۶). تحلیلی بر سند ۲۰۳۰ یونسکو. دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی. مطالعات فرهنگی.
۳۰. هم‌رنگ، محمد (۱۳۹۳). منشور سازمان ملل متحد. تهران: انتشارات دانشور.

31. Adopted by UN General Assembly Resolution 217A (III) of 10 December 1948.
32. <http://fa.irunesco.org>
33. [https://en.wikipedia.org/wiki/Gender\\_Equity\\_Education\\_Act\\_\(Taiwan\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Gender_Equity_Education_Act_(Taiwan))
34. <http://nihr.tums.ac.ir> visited At: 26/8/97
35. <http://nowspeakenglish.com>
36. <https://un.org.ir> visited At: 12/1/95
37. <http://www.americasquarterly.org/charticles/socialinclusionindex2214/overview.php#sthash.12odcP2R.dpuf>
38. [http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Discrimination/LGBT\\_UN\\_SOGI\\_summary12Nov2214.pdf](http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Discrimination/LGBT_UN_SOGI_summary12Nov2214.pdf)
39. Whittle, Stephan (2002) respect and Equality: Transsexual And Transgender Rights. Cavandish publishing limited
40. [www.ochr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/19session/A.HRC.19.41,2011\\_English.pdf](http://www.ochr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/19session/A.HRC.19.41,2011_English.pdf). visited At: 14/09/2015
41. [Tbineternet.ohchr.org/\\_layouts/Treatybodyexternal/,e/c.12/GC/20,2009](http://tbineternet.ohchr.org/_layouts/Treatybodyexternal/,e/c.12/GC/20,2009) visited At: 04/06/2015.
42. UNWOMEN discussion-paper-a-contemporary-view-of-family-in-international-human-rights-law-en. MAGDALENA SEPÚLVEDA CARMONA  
PROGRESS OF THE WORLD'S WOMEN 2018